



دادگاه صلح

دادگاه صلح یکی از نهادهای قضایی در نظام حقوقی ایران است که وظایف خاصی را در رسیدگی به دعاوی کوچک و کیفری به عهده دارد. این دادگاه‌ها معمولاً در سطح محلی قرار دارند و به منظور تسهیل دسترسی مردم به حقوق خود ایجاد شده‌اند. در زیر به برخی از ویژگی‌ها و جنبه‌های حقوقی دادگاه صلح پرداخته می‌شود:

۱. صلاحیت دادگاه صلح

دادگاه‌های صلح صلاحیت رسیدگی به بعضی از دعاوی مدنی و کیفری را دارند که معمولاً شامل موارد زیر است:

- دعاوی مالی که میزان خواسته آن‌ها کمتر از یک مبلغ معین است.
- جرایم سبک و کم‌اهمیت که مجازات آن‌ها کمتر از یک حد مشخص باشد.
- دعاوی خانوادگی مانند طلاق توافقی و امور مربوط به حضانت.

۲. روبه رسیدگی

رسیدگی در دادگاه‌های صلح معمولاً به صورت غیررسمی‌تر و سریع‌تر انجام می‌شود. این امر به منظور کاهش حجم پرونده‌ها در سیستم قضایی و افزایش سرعت حل و فصل دعاوی است. قاضی این دادگاه‌ها دارای اختیارات خاصی برای ایجاد توافق میان طرفین دعوا و حل و فصل سریع‌تر اختلافات است.

۳. تحولات و چالش‌ها

دادگاه‌های صلح با چالش‌های متعددی مواجه‌اند، از جمله:

- عدم آگاهی عمومی: بسیاری از افراد از وجود این نهاد و صلاحیت‌های آن بی‌اطلاعند.
- کمبود منابع و نیروی انسانی: در برخی مناطق، نیاز به کادر مجرب برای رسیدگی به مسائل محلی احساس می‌شود.
- فشار کاری: با افزایش تعداد دعاوی، قاضی‌ها با فشار کاری بیشتری مواجه‌اند که می‌تواند بر کیفیت رسیدگی‌ها تأثیر بگذارد.



۴. نتیجه‌گیری

دادگاه صلح به عنوان یک نهاد جایگزین برای حل و فصل سریع و کم‌هزینه دعاوی در نظر گرفته شده است، اما نیازمند توجه بیشتر به منابع انسانی و آگاهی عمومی است. بهبود این نهاد می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به سیستم قضایی و بهبود فرآیندهای حقوقی کمک کند.

فصل اول- ساختار و تشکیلات دادگاه صلح

ماده 1-

به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی، شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار «شورا» نامیده میشوند، زیر نظر قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل میگردند.

ماده 2-

برنامه ریزی و راهبری شوراها توسط مرکز حل اختلاف که در این قانون به اختصار «مرکز» نامیده میشود، انجام میگیرد.

تبصره- مرکز زیر نظر رئیس قوه قضائیه اداره میشود و رئیس مرکز با حکم رئیس قوه قضائیه منصوب میشود.

ماده 3-

حوزه فعالیت شوراها تابع حوزه قضائی بخش یا شهرستان مربوط است.

تبصره 1 - شعب شوراها در شهرها و در صورت لزوم در مراکز دهستانها و روستاها به تشخیص رئیس قوه قضائیه به تعداد لازم تشکیل میگردند. رئیس‌قوه قضائیه میتواند این امر را به رئیس مرکز تفویض کند.

تبصره 2 - برای رسیدگی به امور فنی و صنفی در دعاوی و شکایات فی‌مابین اصناف، شوراهای حل اختلاف تخصصی قابل تشکیل است. در صورت تشکیل شوراهای حل اختلاف تخصصی مذکور و عدم رد صلاحیت تخصصی خود، دعاوی مربوط منحصراً در این شعب بر اساس احکام این قانون رسیدگی می شود. همچنین برای رسیدگی به



دعاوی و شکایات مربوط به احوال شخصیه فیما بین اقلیتهای دینی و موضوع اصل سیزدهم (13) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب مقرر در این قانون، شوراهای حل اختلاف تخصصی قابل تشکیل است که تشکیل این شوراها مانع از مراجعه اقلیتهای دینی مذکور به دیگر شوراهای حل اختلاف همان حوزه قضائی نیست.

ماده -4

قوه قضائیه مکلف است حداکثر ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، در هر حوزه قضائی شهرستان، شعبه یا شعبی از دادگاهها را تحت مدیریت و نظارت رئیس آن حوزه قضائی به عنوان دادگاه صلح تعیین کند. در حوزه قضائی بخش، وظایف و اختیارات و صلاحیت های دادگاه صلح میتواند بر عهده دادگاه بخش باشد که بر اساس احکام این قانون رسیدگی میکند. ریاست و نظارت دادگاههای صلح و شوراهای حل اختلاف در استان بر اساس آیین نامه ماده (40) این قانون تعیین میشود.

ماده -5

هر شعبه شورا دارای رئیس، یک نفر عضو اصلی و حسب مورد یکنفر عضو علی البدل است. جلسات شورا با حضور دو نفر رسمیت مییابد.

تبصره -1 در هر حوزه قضائی حسب مورد تعدادی عضو علی البدل تعیین میشود که در صورت غیبت رئیس شورا یا عضو اصلی یا در صورت عدم وحدت نظر دو عضو شورا، به دستور رئیس شورای حوزه قضائی مربوط، عضو علی البدلی جایگزین یا اضافه میشود.

تبصره -2 برای هر شعبه در مناطق شهری (متناسب با حجم کار و تعداد پرونده ها) حداکثر دو نفر و در شعب مناطق روستایی در صورت نیاز یکنفر نیروی اداری و دفتری شورا بکار گرفته میشود.

تبصره -3 در شوراهایی که به صورت تخصصی در اتحادیه های صنفی و یا اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و اتاق تعاون ایران و نظیر آنها مستقر هستند، تأمین کارکنان اداری و خدماتی مورد نیاز شوراهای مذکور در صورت امکان بر عهده نهادهای محل استقرار شورا میباشد. کارکنان مذکور با معرفی نهادهای محل استقرار و حکم مرکز منصوب شده و تأمین هزینه های کارمندان مذکور و تأمین مالی و پشتیبانی از این کارکنان بر عهده نهاد های محل استقرار است.

ماده -6



قوه قضائیه میتواند برای اجرای این قانون حداکثر ده هزار نفر نیروی انسانی الزم را ظرف پنجسال از میان اشخاص واجد شرایط استخدام از طریق آزمون عمومی و تخصصی به صورت پیمانی یا قرارداد کار معین بکارگیری نماید. کارکنان تمام وقت شورای حل اختلاف (اعم از اعضا یا سایر کارکنان) که تا تاریخ بیست و نهم اسفند ماه سال 1401، در شوراها مشغول به کار شده اند، در اولویت استخدام هستند. اولویت های استخدام بر اساس معیارهای توانمندی، سوابق همکاری، تخصص، مدرک تحصیلی و حسن رفتار در آیین نامه ای که طرف سه ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون به تصویب رئیس قوه قضائیه میرسد، تعیین میشود.

تبصره 1- قوه قضائیه میتواند افرادی را که به موجب این قانون استخدام میشوند، همزمان در شعب دادگاههای صلح و همچنین شعب شوراها به جای کارکنان فعلی شوراها بکارگیری نماید.

تبصره 2- سوابق اشتغال در شورا به حداکثر سن قانونی اضافه میشود.

تبصره 3- منابع مالی مورد نیاز برای استخدام موضوع این ماده، از محل اعتبارات مصوب مرکز و همچنین از محل درآمدهای اختصاصی موضوع ماده (38) و افزایش درآمدهای حاصل از اجرای مواد (12)، (14) و (19) و کاهش هزینه های ماده (5) این قانون تأمین میشود.

تبصره 4- دولت مکلف است شناسه استخدام اشخاص موضوع این ماده را در اختیار قوه قضائیه قرار دهد.

تبصره 5- از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، عضویت جدید در شوراهای حل اختلاف، افتخاری، داوطلبانه و تبرعی بوده و هرگونه استخدام و بکارگیری اعضای جدید تحت هر عنوان در شوراها و پرداخت هرگونه حق بیمه برای آنها ممنوع است. مرکز میتواند صرفاً به تناسب فعالیت از آنها تقدیر به عمل آورد.

تبصره 6- قوه قضائیه مجاز است از بازنشستگان دستگاههای اجرایی از جمله بازنشستگان قوه قضائیه به عنوان عضو، در شوراها استفاده نماید.

ماده 7-

اعضای شورا باید دارای شرایط زیر باشند:

1- متدین به دین مبین اسلام و مذهب رسمی کشور

تبصره- در مواردی که طرفین یا اطراف دعوی از پیروان سایر مذاهبمصرح در اصل دوازدهم (12) قانون اساسی



باشند، تدین به دین مبین اسلامکفایت میکند.

2- تابعیت جمهوری اسلامی ایران

3- التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه

4- دیانت، امانت و صحت عمل و اشتها به آنها

5- عدم استفاده از مشروبات الکلی و عدم استعمال و اعتیاد به مواد مخدر یا روانگردان

6- دارا بودن کارت پایان خدمت وظیفه عمومی یا معافیت (دائم یا موقت) از خدمت وظیفه عمومی برای مشمولان

7- دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی یا سطح دو حوزه علمیه برای تمام اعضای شعب شهری شورا و مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر برای اعضای شعب روستایی شورا

تبصره- برای اشخاصی که سابقه عضویت در شوراهای حل اختلاف تا قبل از تصویب این قانون را داشته اند، شرط حداقل مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر برای عضویت در شعب روستایی شورا اعمال نمیشود.

8- داشتن حداقل سی سال سن که برای دارندگان مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر، پنجسال از میزان یاد شده کسر میشود.

9- نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی

10- متأهل بودن

11- داشتن شرایط مذکور در بند «ز» ماده (42) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب 1386/7/8 با اصلاحات و الحاقات بعدی

12- سابقه سکونت در حوزه شورا حداقل به مدت شش ماه شمسی و تداوم سکونت در آن حوزه پس از عضویت در شورا

13- نداشتن سوء سابقه امنیتی و عدم وابستگی به گروههای غیرقانونی

14- مؤثر نبودن در تحکیم رژیم سابق و عدم وابستگی به آن



تبصره 1- اعضای شورای حل اختلاف اقلیتهای دینی موضوع اصل سیزدهم (13) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید متدین به دین خود باشند.

تبصره 2- برای عضویت در شورا، دارندگان مدرک حوزوی و یا دارندگان مدرک دانشگاهی در رشته های حقوق یا الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در اولویت هستند و حداقل یک نفر از اعضای شعب شهری شورا باید از میان دارندگان مدارک تحصیلی یادشده باشد.

تبصره 3- احراز شرایط مذکور در این ماده توسط مرکز انجام میشود.

ماده 8-

قضات، کارکنان دادگستری، وکلای دادگستری (اعم از وکلای عضو کانونهای وکلا یا مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه)، کارشناسان رسمی دادگستری، نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی اعم از نیروهای وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حراست و حفاظت دستگاههای اجرائی، صاحبان امتیاز خدمات الکترونیک قضائی و سردفتران، داوران و میانجی گران، در زمان اشتغال حق عضویت در شورا را ندارند.

ماده 9-

اعضای شورا به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و با حکم رئیس مرکز منصوب میشوند.

ماده 10-

اعضای شورا قبل از شروع به کار مکلفند مطابق سوگند نامه ای که توسط مرکز تهیه میشود و به تأیید رئیس قوه قضائیه میرسد، سوگند یاد کنند.

فصل دوم - حدود صلاحیت دادگاه صلح و شوراها

ماده 11-

دعای زیر حتی با توافق طرفین قابل طرح در شورا نیست:

1- اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، بطلان نکاح، فسخ و انفساخ نکاح، بذل مدت و انقضای آن، رجوع، نسب،



ولایت قهری و قیمومت

2- اختلاف در اصل وقفیت و وصیت و تولیت

3- دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی

4- دعاوی راجع به وجوه و اموال عمومی و دولتی و انفال

5- اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قانونی غیردادگستری میباشد.

ماده -12

صلاحیت های دادگاه صلح به شرح زیر است:

1- دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد (000/000/000/1) ریال

تبصره- رئیس قوه قضائیه میتواند نصاب مذکور در این بند را هر سه سال یکبار با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام میشود، تعدیل کند.

2- دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق

3- دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (1) این ماده در صورتی که مشمول ماده (29) قانون حمایت خانواده مصوب 1391/12/1 نباشد.

4- دعاوی و درخواست های مربوط به تخلیه عین مستاجر و تعدیل اجاره بها به جز دعاوی مربوط به سرقتی و حق کسب و پیشه

5- اعسار از پرداخت محکوم به در صورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوا رسیدگی کرده باشد.

6- حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن

7- تأمین دلیل

8 - تقاضای سازش موضوع ماده (186) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب



21/01/1379

9- جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرایم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی

10- جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت

11- دعاوی اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (به استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است)، الزام به اخذ پایانکار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام

تبصره 1- به کلیه جرایم مذکور در این ماده مستقیماً و بدون نیاز به کیفرخواست در دادگاه صلح رسیدگی میشود.

تبصره 2- دادگاه صلح با حضور رئیس یا دادرس علی البدل رسمیت می یابد. دادگاه صلح با رضایت طرفین، پرونده را برای حصول سازش به عضو یا اعضای شورا که در دادگاه مستقر می باشند یا شعبه شورای حل اختلاف یا میانجیگری ارجاع میدهد. چنانچه حداکثر ظرف دو ماه موضوع منتهی به سازش شود، مراتب صورتجلسه و جهت اتخاذ تصمیم به قاضی دادگاه صلح اعلام می شود تا طبق مقررات اقدام کند. در صورت عدم حصول سازش، قاضی دادگاه صلح مطابق قانون، به موضوع رسیدگی کرده و مبادرت به صدور رأی مینماید.

تبصره 3- دادگاه صلح میتواند در ساعات غیراداری و یا در روزهای تعطیل نیز به دعاوی رسیدگی نماید و استقرار آن در محل شورای حل اختلاف بلامانع است.

تبصره 4- در صورت حدوث اختلاف بین دادگاه های صلح و همچنین سایر مراجع قضائی و غیرقضائی به ترتیب زیر اقدام میشود:

الف- در مورد دادگاه های صلح واقع در حوزه های قضائی شهرستانهای یک استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح با دادسراها یا دادگاههای حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی یک استان، حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر آن استان است.

ب- در مورد دادگاههای صلح واقع در حوزه های قضائی دو استان و نیز اختلاف بین دادگاه صلح و دادسراها یا دادگاههای حقوقی یا کیفری یا بخش حوزه قضائی دو استان، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استانی است که مرجع قضائی آن استان آخرین قرار عدم صلاحیت را صادر نموده است.

پ- در مواردی که دادگاه صلح به صلاحیت مراجع غیرقضائی، از خود نفی صلاحیت کند، پرونده برای تعیین صلاحیت



به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال میشود، تشخیص آن مرجع لازم الاتباع است.

تبصره 5- آرای دادگاه صلح، قطعی است مگر در موارد زیر که قابل تجدید نظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است:

الف- دعاوی موضوع بند (1) این ماده در صورتی که خواسته بیشتر از نصف نصاب مذکور در آن بند باشد.

ب- موارد موضوع بند (9) این ماده نسبت به دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها بیش از یک دهم دیه کامل یا معادل آن باشد.

پ- موارد مذکور در بندهای (2)، (3) و (4) این ماده؛

ت- موارد موضوع بند (5) این ماده مشروط به اینکه اصل دعوا قابل اعتراض باشد.

ث- جنبه عمومی جرائم غیرعمدی موضوع بند (9) در صورتی که مجازات قانونی آن درجه شش یا بیشتر باشد.

ج- جرائم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آنها حبس درجه هفت باشد.

ماده 13-

شوراها در موارد زیر حسب مورد با درخواست خواهان یا مدعی خصوصی یا شاکی برای صلح و سازش اقدام مینمایند:

1- کلیه امور مدنی و حقوقی.

2- جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت.

3- کلیه جرائم قابل گذشت

تبصره- در صورتی که رسیدگی شورا با درخواست یکی از طرفین صورت پذیرد و طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم تمایل خود را برای رسیدگی در شورا اعالم نماید، شورا درخواست را بایگانی و طرفین را به مرجع صالح راهنمایی مینماید.

ماده 14-



از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون به دعاوی و جرائم مندرج در این قانون در دادگاه صلح رسیدگی میشود و شورا صرفاً در امر صلح و سازش مطابق احکام این قانون اقدام میکند.

ماده -15

در کلیه جرائم قابل گذشت (به استثنای مواردی که متهم متواری یا مجهول المكان است)، اختلاف و دعاوی خانوادگی و سایر دعاوی مدنی و حقوقی که بهطور مستقیم در مرجع قضائی طرح میشود، مقام رسیدگی کننده و اجراکننده و همچنین مقام ارجاع قبل از ارجاع پرونده به شعبه و ثبت آن، پس از اتخاذ تصمیم در خصوص امور فوری، میتوانند حسب مورد با توجه به کیفیت موضوع و امکان حل و فصل آن از طریق صلح و سازش و با لحاظ ترتیباتی جهت حفظ ادله جرم، جلوگیری از فرار متهم و رعایت حقوق شاکی و نظم عمومی و در صورت ضرورت انجام تحقیقات الزم، پرونده را با ذکر دلیل به شورا ارجاع نمایند.

تبصره- مقام رسیدگیکننده و اجراکننده و همچنین مقام ارجاع قبل از ارجاع پرونده به شعبه و ثبت آن، مکلفند قبل از ارجاع پرونده به شورا از عدم مخالفت طرفین پرونده با ارجاع پرونده به شورا اطمینان حاصل کنند و شورا قبل از شروع به رسیدگی پروندههای موضوع این ماده طرف یا طرفین پرونده را از حق مخالفت با ارجاع پرونده به شورا مطلع سازد.

فصل سوم- ترتیب رسیدگی و اقدامات سازشی در دادگاه صلح

ماده -16

در موارد مقرر در ماده (13) این قانون شروع رسیدگی در شورا با درخواست کتبی یا شفاهی به عمل میآید. درخواست شفاهی در صورتجلسه قید و به امضای خواهان یا متقاضی میرسد.

تبصره- درخواست رسیدگی باید متضمن موارد زیر باشد:

1- نام و نام خانوادگی، نام پدر، نام شخص حقوقی، شناسه ملی و اقامتگاه طرفین دعوی.

2- موضوع خواسته و همچنین تقویم آن در دعاوی مالی.

3- موضوع درخواست یا شکایت.

4- دلایل و مستندات درخواست یا شکایت.



ماده 17

در مواردی که در این قانون حکمی تعیین نشده است دادرسی و ترتیبات رسیدگی، صدور رأی و اجرای احکام دادگاه صلح حسب مورد تابع قوانین و مقررات حاکم بر دادگاههای حقوقی و کیفری است.

تبصره- ترتیب اقدامات سازشی در شوراهای حل اختلاف مطابق آیین نامه ای انجام میشود که ظرف سه ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری وزارت دادگستری و مرکز تهیه میشود و به تصویب رئیس قوه قضائیه میرسد.

ماده 18-

طرفین دعوا میتوانند شخصاً در شورا حضور یافته یا از وکیل دادگستری استفاده نمایند. در موارد صلح و سازش استفاده از وکیل مدنی نیز مجاز است.

ماده 19-

هزینه دادرسی در دادگاه های صلح حسب مورد مطابق هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است و هزینه دادرسی شوراهای حل اختلاف در موارد موضوع ماده (13) این قانون، در دعاوی کیفری و دعاوی حقوقی غیرمالی معادل هزینه دادرسی در محاکم دادگستری و در دعاوی مالی هزینه دادرسی معادل پنجاه درصد (50%) هزینه دادرسی در محاکم دادگستری است.

تبصره- در صورتی که پرونده از سوی مرجع قضائی جهت صلح یا سازش به شورای حل اختلاف ارجاع شود، چنانچه هزینه دادرسی پرداخت شده باشد، هزینه دادرسی مجدد دریافت نمیشود.

ماده 20-

در اجرای مواد (13) و (15) این قانون، شورا پس از دعوت خوانده یا مشتکی عنه نسبت به تشکیل جلسه اقدام و در صورت حصول سازش میان طرفین، مبادرت به صدور گزارش اصلاحی میکند و پرونده در شورا بایگانی و در موارد ارجاع پرونده از مرجع قضائی، نتیجه به همراه تصویری از گزارش اصلاحی به آن مرجع ارسال میشود تا مرجع مزبور نسبت به مختومه کردن پرونده با دستور اداری اقدام کند.

تبصره 1- چنانچه توافق و سازش طرفین متضمن حق، تکلیف یا تعهدی باشد، موارد در گزارش اصلاحی به صورت



صریح و مشخص با قید حقوق و تعهدات طرفین و نحوه و زمان اجرای تعهد ذکر میشود. **تبصره 2-** در مواردی که طرفین، سازش خود را منوط به نظر کارشناس مرضی الطرفین، داور یا میانجی میکنند، شورا ضمن ارجاع، نظریه اشخاص مذکور را اخذ و در صورت عدم مغایرت با قوانین و مقررات و التزام طرفین به آن، مفاد آن را در گزارش اصالحی منعکس میکند. نظرات اشخاص مذکور بدون انعکاس

در گزارش اصالحی قابلیت اجرا ندارد.

تبصره 3- در کلیه دعاوی مالی ارجاعی از مراجع قضائی که هزینه دادرسی در مرجع مذکور پرداخت شده است، در صورت حصول سازش بین طرفین، هزینه دادرسی به نصف کاهش می یابد و مازاد به خواهان بازگردانده میشود و مابقی به عنوان درآمدهای موضوع ماده (38) این قانون محسوب میشود. دولت مکلف است سازوکار اجرائی این تبصره را در قوانین بودجه سنواتی پیشبینی کند.

تبصره 4- رسیدگی به دعاوی راجع به اموال غیرمنقول که فاقد سند رسمی هستند، صرفاً در صلاحیت مرجع صالح قضائی است.

ماده 21-

در اجرای مواد (13) و (15) این قانون، در صورتی که شورا با برگزاری حداقل دو جلسه ظرف سه ماه موفق به ایجاد صلح و سازش بین طرفین نشود، پرونده در شورا بایگانی و در صورت درخواست خواهان یا مدعی خصوصی به مرجع قضائی صالح ارسال میگردد. چنانچه پرونده از مراجع قضائی ارجاع شده باشد، گزارش اقدامات و نتیجه به آن مرجع ارسال میشود.

ماده 22-

در صورت استرداد درخواست یا دعوا از سوی خواهان یا مدعی خصوصی، شورا اقدام به بایگانی پرونده مینماید. چنانچه پرونده از مراجع قضائی ارجاع شده باشد، مراتب به آن مرجع اعالم میشود.

ماده 23-

در اجرای مواد (13) و (15) این قانون رئیس شورا شخصاً یا از طریق یکی از اعضا، علاوه بر رسیدگی به دلایل طرفین، میتواند مطابق ضوابط قانونی تحقیق محلی و معاینه محل را انجام دهد.



ماده -24

هرگاه در تنظیم یا نوشتن گزارش اصلاحی و دیگر تصمیمات شورا سهو قلم رخ بدهد مانند از قلم افتادن یا اضافه شدن کلمه ای و یا در محاسبه، اشتباه صورت گرفته باشد، تصحیح گزارش یا تصمیم مذکور رأساً یا با درخواست ذینفع، توسط دادگاه صلح انجام می شود. گزارش یا تصمیم تصحیح شده به طرفین ابلاغ می شود. تسلیم و رونوشت گزارش یا تصمیم اصلی بدون الصاق گزارش یا تصمیم تصحیح شده ممنوع است.

ماده - 25

اعتراض طرفین پرونده به تصمیم شورا و نیز اعتراض ثالث نسبت به گزارش اصلاحی و تصمیم شورا قابل طرح در دادگاه صلح همان حوزه قضائی است و چنانچه تصمیم یا گزارش اصلاحی توسط مرجع رسیدگی به اعتراض نقض شود، مرجع مذکور موظف است رأساً به پرونده رسیدگی و رأی صادر کند. **تبصره-** گزارش اصلاحی قطعی است. در صورتی که یکی از طرفین به دلیل عدم تطابق گزارش اصلاحی با توافق صورت گرفته، به گزارش اصلاحی اعتراض داشته باشد، با دستور دادگاه صلح اجرای گزارش اصلاحی متوقف و در همان دادگاه به اعتراض رسیدگی میشود.

ماده -26 گزارش اصلاحی موضوع ماده (20) این قانون پس از تأیید قاضی دادگاه صلح مطابق قوانین و مقررات جاری کشور اجرا میگردد.

ماده - 27

چنانچه متعهد پیش از صدور دستور اجرا نسبت به اجرای گزارش اصلاحی یا اخذ رضایت اقدام کند، از پرداخت نیم عشر اجرائی معاف است و اگر ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه اقدام کند، از پرداخت نصف نیم عشر اجرائی معاف است.

فصل چهارم - ترتیب رسیدگی به تخلفات اعضای شورا و دادگاه صلح

ماده -28

چنانچه اعضا، کارکنان و نیروهای اداری شورا که رابطه استخدامی ندارند، مرتکب تخلف شوند، به شکایت شاکی، گزارش رئیس شورای حل اختلاف در حوزه قضائی مربوط، واحد بازرسی یا واحد حفاظت و اطلاعات، موضوع در هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات مطرح میشود.



تبصره- به تخلفات کارکنان و نیروهای اداری شورا که رابطه استخدامی دارند، مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب 1372/9/7 رسیدگی میشود.

ماده -29

هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات هر استان با حضور سه عضو شامل رئیس شوراهای حل اختلاف استان، یکی از قضات و یکی از اعضای شوراهای حل اختلاف آن استان به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان تشکیل میشود.

تبصره -1 اعضای قاضی هیأت با پیشنهاد رئیس مرکز و حکم رئیس قوه قضائیه و سایر اعضای هیأت، با حکم رئیس مرکز برای مدت سه سال منصوب میشوند و انتصاب مجدد آنان بالمانع است.

تبصره -2 در صورت ضرورت، با تشخیص رئیس مرکز، هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات در هر استان قابل افزایش به دو یا چند هیأت است.

ماده -30

ارتکاب موارد زیر توسط اعضا، کارکنان و نیروهای اداری شورا

که رابطه استخدامی ندارند، تخلف محسوب میشود:

1- اعمال و رفتار خالف شئون

2- عدم رعایت قوانین و مقررات مربوط

3- هرگونه سوء رفتار یا رفتار مغایر کرامت انسانی با مراجعه کنندگان که منجر به نارضایتی در آنان میشود.

4- انجام ندادن وظایف قانونی یا تأخیر بدون دلیل در انجام آنها

5- تبعیض یا اعمال غرض یا برقراری روابط خارج از عرف اداری با مراجعه کنندگان

6- ترک خدمت در خلال ساعات موظف بدون مجوز یا عذر موجه

7- غیبت غیرموجه سه جلسه به صورت متوالی یا پنج جلسه به صورت متناوب در طول یکماه، تکرار در تأخیر ورود به محل کار یا تکرار در تعجیل خروج از آن بدون کسب مجوز



- 8- کم کاری یا سهل انگاری در انجام وظایف محول شده**
- 9- عدم رعایت شئون و شعائر اسلامی**
- 10- اخذ هرگونه وجه، مال یا امتیاز در قبال اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم به نفع یکی از طرفین دعوی و گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هر گونه مالی که در عرف رشوه خواری تلقی میشود.**
- 11- تسامح در حفظ اموال و اسناد و ایراد خسارت به اموال بیت المال**
- 12- ارائه گواهی یا گزارش خلاف واقع در امور مربوط به شورا**
- 13- تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را دارند.**
- 14- ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت**
- 15- اخاذی**
- 16- اختلاس**
- 17- افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری**
- 18- افشای اطلاعات خصوصی و محرمانه طرفین پرونده و شهود**
- 19- ارتباط و تماس غیرمجاز با اتباع بیگانه**
- 20- سرپیچی از اجرای دستورهای مقام های بالاتر در حدود وظایف اداری**
- 21- اختفا، نگهداری، حمل، توزیع و خرید و فروش موادمخدر**
- 22- استعمال مواد مخدر یا اعتیاد به آن**
- 23- هر نوع سوء استفاده و استفاده غیر مجاز از شئون یا موقعیت شغلی در شورا و امکانات و اموال شورا**
- 24- جعل یا مخدوش نمودن و دست بردن در اسناد و اوراق رسمی یا دولتی**



25- توقیف، اختفا، بازرسی یا بازکردن پاکت ها و محمولات پستی یا معدوم کردن آنها و استراق سمع بدون مجوز قانونی

26- کارشکنی و شایعه پراکنی، وادار ساختن یا تحریک دیگران به کارشکنی یا کم کاری و ایراد خسارت به اموال دولتی و اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی

27- شرکت در تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی، یا تحریک به برپایی تحصن، اعتصاب و تظاهرات غیرقانونی و اعمال فشارهای گروهی برای تحصیل مقاصد غیرقانونی

28- عضویت در یکی از فرقه های ضاله که از نظر اسلام مردود شناخته شده اند.

29- عضویت در سازمانهایی که مرامنامه یا اساسنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها

30- عضویت در گروه های غیرقانونی

ماده -31

چنانچه هیأت رسیدگی کننده بدوی پس از دعوت از عضو یا

کارمند یا نیروی اداری شورا که رابطه استخدامی ندارد و شنیدن اظهارات و دفاعیات، تخلف وی را احراز نماید به تناسب عمل ارتكابی در مورد ارتكاب به تخلفات موضوع بندهای (1) تا (9) ماده (3) این قانون برای بار اول و دوم مرتکب را به یکی از مجازاتهای بندهای (1) تا (3) این ماده و در مورد تخلفات موضوع بندهای (10) تا (30) ماده (30) این قانون و تکرار تخلفات موضوع بندهای (1) تا (9) ماده مذکور در بار سوم، مرتکب را به یکی از مجازاتهای بندهای (4) و (5) این ماده محکوم میکند:

1- اخطار کتبی بدون درج در پرونده

2- توبیخ کتبی با درج در پرونده

3- کسر پاداش تا یک سوم به مدت یک ماه تا یکسال

4- محرومیت از فعالیت در شورا از یک ماه تا یکسال



5- محرومیت دائمی از عضویت در شورا یا اخراج از شورا حسب مورد

ماده -32

آرای صادر شده از هیأت بدوی در مورد مجازاتهای مقرر در

بندهای (1) تا (3) ماده (31) این قانون قطعی و در مورد مجازاتهای موضوع بندهای (4) و (5) ماده مذکور ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظر در هیأت تجدیدنظر رسیدگی کننده به تخلفات اعضا، کارمندان و نیروهای اداری شورا که رابطه استخدامی ندارد، است.

ماده -33

هیأت تجدیدنظر رسیدگی کننده به تخلفات اعضا، کارمندان و

نیروهای اداری شورا که رابطه استخدامی ندارند، در مرکز تشکیل میشود؛ و مرکب از سه عضو اصلی شامل رئیس مرکز یا یکی از معاونان وی، یک قاضی دادگاه تجدیدنظر و یکی از اعضای شوراهای حل اختلاف با پیشنهاد رئیس مرکز است که تمامی آنان با ابلاغ رئیس قوهقضائیه برای مدت سه سال منصوب میشوند و انتصاب مجدد آنان بلامانع است.

ماده -34

چنانچه عضو شورا در مقابل دریافت وجه یا سند پرداخت وجه

یا مال یا ارائه خدمت به نفع یکی از طرفین اظهارنظر کند، مجرم محسوب و به مجازات بزه موضوع ماده (588) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده) مصوب 1375/3/2 محکوم میشود.

ماده -35

هرگاه تخلف عضو، کارمند و نیروی اداری شورا که رابطه استخدامی ندارد، عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین را نیز داشته باشد هیأت رسیدگی به تخلفات مکلف است مطابق این قانون به تخلف وی رسیدگی و رأی قانونی، صادر و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضائی صالح ارسال کند. هرگونه تصمیم مراجع قضائی مانع از اجرای مجازاتهای اداری موضوع این قانون نخواهد بود. چنانچه تصمیم مراجع قضائی مبنی بر برائت باشد، هیأت رسیدگی به تخلفات مجدداً به موضوع رسیدگی و تصمیم مناسب اتخاذ میکند.



فصل پنجم- سایر مقررات در دادگاه صلح

ماده -36

تا زمان تشکیل دادگاههای صلح، به دعاوی و شکایات مطابق

قوانین و مقررات جاری کشور از جمله قانون شوراهای حل اختلاف مصوب 1394/9/16 با اصلاحات و الحاقات بعدی رسیدگی میشود.

ماده -37

چنانچه عضو شورا در آزمون وکالت دادگستری (اعم از کانونهای وکلا و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه) یا کارشناس رسمی دادگستری پذیرفته شود و حسن سابقه او در شورا به تأیید رئیس کل دادگستری استان برسد، مدت کارآموزی وی در هر یک از این موارد به شرح زیر تقلیل مییابد:

1- سه تا پنج سال سابقه همکاری با شورا، یک سوم دوره کارآموزی

2- بیش از پنج سال سابقه همکاری با شورا، نصف دوره کارآموزی

تبصره- نیروهای شاغل در شوراهای تا زمان لازم الاجرا شدن این قانون متناسب با سنوات همکاری تمام وقت آنان در صورت داشتن شرایط احراز مشاغل، برای استخدام در قوه قضائیه و دستگاه های تابع از اولویت برخوردار خواهند بود.

دستورالعمل نحوه احتساب سنوات خدمت تمام وقت، اعمال اولویت و امتیاز برای این دسته از افراد با پیشنهاد مشترک قوه قضائیه و سازمان اداری و استخدامی کشور به تصویب شورای توسعه مدیریت و سرمایه انسانی خواهد رسید.

ماده -38

درآمد حاصل از هزینه دادرسی و نیم عشر اجرائی گزارش اصلاحی موضوع این قانون و سایر موارد قانونی به خزانه داری کل کشور واریز و معادل صد در صد (100%) مبلغ واریزی از محل اعتبار خاصی که به همین منظور هر ساله در قانون بودجه کل کشور منظور میشود به عنوان درآمد اختصاصی به شوراهای اختصاص داده میشود. دولت مکلف است معادل مبالغ پیش بینی شده در قانون بودجه هر ساله کل کشور را پرداخت نماید تا در موارد زیر هزینه گردد:



1- پرداخت حقوق و پاداش

2- هزینه ساخت، اجاره و تعمیرات ساختمان و تجهیزات و هزینه های اداری با تشخیص مرکز

3 - بیمه تأمین اجتماعی کارکنان استخدامی

ماده -39

دولت مکلف است هرساله بودجه مورد نیاز شوراها را بر اساس بودجه پیشنهادی قوه قضائیه در قالب ردیف مستقل پیش بینی کند. تأمین امکانات اداری و تجهیزات و مکان و امور مالی و پشتیبانی شوراها بر عهده قوه قضائیه است.

ماده -40

آییننامه اجرائی این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب آن،

توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری وزارت دادگستری و مرکز تهیه میشود و به تصویب رئیس قوه قضائیه میرسد.

ماده -41

قانون شوراهاى حل اختلاف مصوب 1394/9/16 با رعایت ماده (36) این قانون نسخ میشود.

قانون فوق مشتمل بر چهل و یک ماده (و ... تبصره) که گزارش آن توسط کمیسیون ... به صحن علنی تقدیم شده بود، پس از تصویب در جلسه علنی روز 22 شهریور ماه یکهزار و چهار صد و دو مجلس، در تاریخ ... / 1402 / ... به تأیید شورای نگهبان رسید.

محمدباقر قالیباف